

با قطع سلطه مسی، رونالدو و سوارس

ایموبیله خاطره توتی را زنده کرد

گزارش



چيرو ايموبيله، مهاجم لاتزیو، توانست کفش طلای فصل ۲۰-۲۰۱۹ را از آن خود کند. او بهترین گلزن اروپا شد و توانست با ۳۶ گل، این فصل سری آ را به پایان برساند. ايموبيله با رکورد گونسالو ایگواین در زمینه بیشترین گل زده در یک فصل سری آ هم برابری کرد.

ایموبيله در شکست دو بر یک لاتزیو برابر ناپولی گل زد. ایگواین در فصل ۱۶-۲۰۱۵ برای ناپولی ۳۶ گل زده بود، و حالا ايموبيله به رکورد او رسیده است.

این ۳۶ گل برای او کافی بود تا کفش طلارا از آن خود کند و از روبرت لواندوفسکی پیشی بگیرد. این مهاجم لهستانی در بایرن مونیخ ۳۴ گل به ثمر رساند.

کریستیانو رونالدو، دومین گلزن برتر سری آ، پیش از هفته پایانی با ۳۱ گل زده، چهار گل کمتر از ايموبيله داشت و تنها بازیکنی بود که بخت اندکی برای رسیدن به ايموبيله داشت. اما رونالدو در بازی یوونتوس مقابل رم در لیست تیمش قرار نگرفت.

ایموبيله پس از فرانچسکو توتی در سال ۲۰۰۷، اولین بازیکنی از سری آ است که کفش طلارا از آن خود می کند. لیونل مسی که فصل گذشته این عنوان را تصاحب کرد و با شش کفش طلا، در این زمینه رکورددار است، فصل را با ۲۵ گل زده به پایان رساند.

از سال ۲۰۰۹، تنها یک بار شده بود که بازیکنی خارج از لالیگا کفش طلارا از آن خود کند، که لوییس سوارس در فصل ۱۴-۲۰۱۳ بود. این بازیکن در آن هنگام در لیورپول بازی می کرد، و در آن فصل، به همراه رونالدو، بهترین گلزن اروپا شد. از فصل ۰۹-۲۰۰۸ که دیوگوفوران به عنوان بهترین گلزن قاره اروپا رسید، همیشه مسی، رونالدو یا سوارس (که در فصل ۱۶-۲۰۱۵ هم با بارسلونا بهترین گلزن اروپا شد) فاتح کفش طلا می شدند، تا اینکه ايموبيله نوار موفقیت های آنها را قطع کرد.

کفش طلایر مبنای تعداد گل های زده بازیکن در یک فصل و امتیاز لیگی که در آن بازی می کند، داده می شود. به ازای هر گلی که یک بازیکن در لیگ برتر، لالیگا، سری آ، بوندس لیگا و لیگ یک بزند، دو امتیاز برایش در نظر گرفته می شود. گلزنی در لیگ های رده دو/۱۵ امتیاز، و در لیگ های رده سه یک امتیاز دارد. ارلینگ هالاند، مهاجم بوروسیا دورتموند با ۲۹ گل زده در کنار لیونل مسی قرار گرفت. تعداد گل های او بیشتر از مسی بود، اما ۱۶ گل او در سالزبورگ در لیگ اتریش زده شد و امتیاز کمتری به همراه داشت.

ایموبيله فصل را با ۱۷۲ امتیاز به پایان برد. رکورد بیشترین امتیاز کفش طلا ۱۰۰ است که لیونل مسی با ۵۰ گل در لالیگادر فصل ۱۲-۲۰۱۱ آن را کسب کرد.

سه بازیکن سری آ در میان ده بازیکن برتر کفش طلا قرار گرفتند. به جز ايموبيله و رونالدو که پس از لواندوفسکی سوم شد، روملو لوكاکو هم با ۲۳ گل در رده هفتم قرار گرفت. او همرده جیمی واردی، بهترین گلزن لیگ برتر است.

شون وایسمن از ولفسبورگ و ژان-پیر انسامه از یانگ بویز هم در این فصل ۳۰ گل زدند و در میان ۱۰ بازیکن برتر کفش طلارا قرار گرفتند. اریک سورگاز فلورا تالین ۳۱ گل زد، اما لیگ استونی ضربه پایینی دارد و به این ترتیب او در رده ۳۹م قرار گرفت.

این سومین باری است که ايموبيله بهترین گلزن سری آ می شود. او در فصل ۱۴-۲۰۱۳ هم ۲۲ گل با تورینو زد، و چهار فصل بعد هم ۲۹ گل به ثمر رساند و به همراه مائورو ایکاردی، مهاجم آن زمان اینتر، آقای گل شد.

ایموبيله همچنین هشتمین بازیکنی است که برای سه فصل بهترین گلزن ایتالیا می شود. گونا نوردال، مهاجم سابق میلان، با پنج عنوان آقای گلی در سال های ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۵ در این زمینه رکورددار است.

یوونتوس و بارسلونا، نماد بی احتیاطی ابر باشگاه ها

ساری و رونالدو به هم نمی آیند



یادداشت

جاناتان ویلسن

چه حد پیچیده و سخت باشد.

فصل ساری در جلسی هرگز به آن اندازه ای که در ناپولی بود و انتظار می رفت در لندن آن را تکرار کند، موفق نبود اما از آنجا که فوتبال عجیب و غریب است بایک قهرمانی اروپایی همراه بود و انتصاب او کاری غیرعقلانه و غیرمنطقی نبود.

اما آنچه غیرعقلایی بود، استخدام او در حالی بود که ریسک قبلی باشگاه برای بردن لیگ قهرمانان یعنی کریستیانو رونالدو هنوز در باشگاه حضور داشت.

رونالدو هنوز بازیکن خیلی خوبی است. در این فصل توانسته ۳۱ گل بزند و به تیم کمک زیادی در موفقیت هایش بکند. هنوز فرم بدنی خارق العاده ای دارد. اما پرداخت مبلغ یکصد میلیون یورو برای انتقالش، قراردادی چهار ساله با دستمزدی که گفته می شود ۳۱ میلیون یورو در سال است، به اضافه ۱۲ میلیون یورو بابت پاداش ها و پرداخت به تیم های دوران جوانی رونالدو برای یک بازیکن ۳۳ ساله اقدامی بود که حتی قبل از شیوع ویروس کرونا هم توجیه اقتصادی نداشت. از بیرون مثل تلاش آخر،

باشگاه های بزرگ با خرج پول زیاد، تمام بی احتیاطی و ندانم کاری شان را جبران می کنند

پرتاب آخرین تیر ترکش و انداختن آخرین ناس بود برای اینکه بتواند در لحظات کلیدی با گل ها و مداخله هایش تیم را به آنچه می خواهد برساند یعنی نخستین قهرمانی اروپایی بعد از سال ۱۹۹۶. رونالدو البته شیوه مشخصی از بازی را دیکنه می کند. حتی در سال های اوج هرگز به طور مستمر پرس نمی کرد. بی میلی او برای همراهی با مدافع جلوزن تیم دلیلی بود که الکس فرگوسن استفاده از او را در سانتر فوروارد به جای بال در مسابقات اروپایی شروع کرد. این روزها او اساسا کم تحرک و ایستا است با وجود انرژی بالایی که دارد. با حضور رونالدو در تیم غیرممکن است که ساری آن روانی تیم ناپولی را بازآفرینی کند که خوسه کایخون، لورنزو اینسینه و دریس مرتنز در خط حمله اش بودند، با مدافعان کناری اوورلپ می کردند و مارک هاشیک و پیوتر زلینسکی با آلان از خط میانی نفوذ می کردند. در یوونتوس همه چیز حول محور رونالدو است و برای همین تنها دو بازیکن دیگر توانسته اند بیش از سه گل

لیگ در این فصل بزنند.

این برای تحقیر رونالدو یا ساری نیست. رونالدو یک پدیده خارق العاده است حداقل در لیگ قهرمانان که موفقیت های زیادی را برای رثال مادریده دست آورد. ساری پیش از این فوتبال پرهیجانی را به سری A آورده اما این کار را بایک خط حمله ثابت انجام نداد که همه چیز باید به آنها ختم شود. این دوبه هم نمی خورند. بارسلونا هم در حالی خودش را از شروالورده خلاص کرد که در صدر لالیگا قرار داشت و دو فصل قبل هم قهرمان لیگ شده بود. هیچ کس نمی تواند وجود مشکل در خط میانی تیم را انکار کند همانطور که در بازی های لیگ قهرمانان مقابل یوونتوس، رم و لیورپول مشهود بود اما تصمیم به اخراج او بدون هیچ برنامه مشخصی که قرار است چه کسی جایگزین او شود، گرفته شد.

کیکه ستین در بهترین حالت، انتخاب سوم بود. نتیجه واگذاری لیگ به رثال مادرید بود و بارسا حالا باید با همان مشکلات ساختاری که سال ها است آزارشان می دهد کنار بیاید ضمن اینکه مربی روی نیمکت دارد که اصلا در اندازه این باشگاه نیست.

یوونتوس باید باخت یک بر صفر برابر لیون را جبران کند که تنها بازی رسمی اش در پنج ماه گذشته بازی جمعه با پاری سن ژرمن در فینال جام اتحادیه بود که در ضربات پنالتی باختند. یووه وضع بهتری دارد. بارسلونا هم باید در نوکمپ ناپولی را ببرد بعد از آنکه در بازی رفت یک بر یک مساوی شدند. هشت تیم آخر لیگ قهرمانان تقریبا آشنا هستند اگر چه دونالد جدید به چشم می خورد؛ لایپزیگ که مهاجم نوکش را به جلسی واگذار کرده و آتالانتا که غریبه به حساب می آید اما به قدری جذاب است که توجه خیلی ها را جلب کرده. این یک بحران در مدل اقتصادی فوتبال مدرن است. از یک طرف، برخی باشگاه ها در آستانه ورشکستگی هستند به خاطر اینکه یک هفته در میان نمی توانند از چند ده هزار نفر پول بلیت بگیرند و از طرف دیگر عواقب ناکامی های مدیریتی و مربیگری در پایین ترین سطح است.

باشگاه هایی مثل یوونتوس و بارسا با وجود کسالت باری شان، به دنبال رویای بزرگتری هستند. مهم نیست تصمیم گیرندگان باشگاه تا چه حد چار سردرگمی شده اند، یک ابر باشگاه می تواند آنقدر بازیکن خوب جذب کند که شانس زیادی برای رسیدن به جمع هشت تیم پایانی لیگ قهرمانان داشته باشد. آنها با پولشان تمام بی احتیاطی و ندانم کاری شان را جبران می کنند. نشن. و افول فوتبال مدرن در هیچ جایی به اندازه قرنطینه ثروتمندان قابل مشاهده نیست.

منبع: گاردین